

ایران گلوبال

نشریه خبری سیاسی الکترونیک

Iran Global (iranian futurist online magazine)

Monday 03 August 2009

بازگشت به صفحه اول

چاپ مطلب

حشمت اله طبرزدی

تحلیل گر سیاسی

دو کلمه حرف حساب با مهندس موسوی

اگر چه در شرایط کنونی می بایست همه ی نظر ها به مبارزات آزادی خواهانه ی مردم باشد اما هر از چند گاهی نیاز است تا زمینه های گفتگو بین دست اندر کاران باز شود تا به سرنوشت انقلاب بهمن ۵۷ دچار نشویم. امروز در برخی سایت های اینترنتی به نقل از آقای موسوی گفته شده بود: جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد.

اگر چه در شرایط کنونی می بایست همه ی نظر ها به مبارزات آزادی خواهانه ی مردم باشد اما هر از چند گاهی نیاز است تا زمینه های گفتگو بین دست اندر کاران باز شود تا به سرنوشت انقلاب بهمن ۵۷ دچار نشویم. امروز در برخی سایت های اینترنتی به نقل از آقای موسوی گفته شده بود: جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد. از زبان او گفته شده بود، شعار های انحرافی که منظور: استقلال - آزادی - جمهوری ایرانی، بوده است، انحراف از جنبش اخیر است! این مسئله موجب شد تا این مقاله را تحریر کنیم و اگر در ادامه ی راه نیاز باشد باز هم در این زمینه خواهیم نوشت.

لازم است به آقای موسوی یاد آوری کنیم که حضرت عالی از سوی شورای نگهبان برای رقابت در انتخابات تایید شدید و همین دستگاه به شما امکان تبلیغ و حضور در تلویزیون غیر ملی را داد. در حالی که صد ها نفر رد صلاحیت شدند. شما با حضور در انتخابات مردم را دعوت به پای صندوق های رای کردید و البته مردم نیز به این نتیجه رسیده بودند تا از این فرصت برای مخالفت با احمدی نژاد و حکومت استفاده کنند و به گفته ی دستگاه، ۴۰ میلیون به پای صندوق آمدند و به گفته ی همین دستگاه احمدی با ۲۵ میلیون برنده شد. شما اما به مردم وعده داده بودید که از رای ان ها صیانت می کنید. و البته همگان می دانستند که این شعاری بیش نیست اما چاره را در این دانستند که به این وعده اطمینان کنند.

شما که باور نداشتید که حکومت تا این اندازه متقلب باشد، راه صیانت را این گونه تشخیص دادید که پیش از اعلام نظر همین شورای نگهبانی که قاعده ی ان را پذیرفته بودید و به همین دلیل امکان حضور در رقابت را یافتید، اعلام کنید که برنده ی انتخابات هستید و هر چه جز این اعلام شود به معنای تقلب خواهد بود!

برای ما که اصل انتخابات آزاد در جمهوری اسلامی را پذیرفته بودیم و به همین دلیل شرکت نکردیم، همه ی این امور شگفت انگیز بود. رای دهندگان مغموم اما به خیابان ریخته و از شما حمایت کرده و خواستند تا رای ان ها را پس بگیرید. ان ها از شما پشتیبانی کردند و اعلام داشتند که موسوی را تنها نمی گذارند. شما به ان ها قول داده بودید و نیز خود اعلام کردید که رییس جمهور منتخب هستید. پس مردم نیز به این حرف شما اعتماد کردند و حتا کسانی که رای نداده بودند به حرف شما اعتماد کرده و وارد کارزار شدند.

جناب موسوی به گفته ی خودتان در ۲۵ خرداد بیش از ۲ میلیون به خیابان ها ریختند و راهپیمایی سکوت برگزار کردند. به این امید که شما رای ان ها را پس بگیرید. شما اما به جای این که از این پتانسیل استفاده کنید و در خیابان بست بنشینید، به یک دست تکان دادن برای مردم اکتفا کردید و فوراً به خانه برگشتید و این داستان تکرار و تکرار شد تا روز ۲۹ خرداد که خامنه ای دستور سرکوب راهپیمایی های ملیونی و آرام را صادر کرد. از این جا صورت مسئله تغییر کرد. برای این که پس گیری ارا می بایست از طریق مسالمت آمیز و یا حد اکثر با اتکا به ان حمایت های ملیونی باشد. اما شما موفق به این کار نشدید و فرصت از دست رفت. اگر مردم با اصل

نظام مشکلی نداشته و فقط به دنبال مخالفت با تقلب و پس گیری ارا با استفاده از ساز و کار قانون حاکم بودند، پس از تهدید خامنه ای که همگان آگاه بودند پس از آن گلوله و خون است و تجربه ی ۱۸ تیر را با خود داشتند، هیچ گاه به خیابان نمی آمدند، ولی مردم ۳۰ خرداد به خیابان آمدند تا اعلام کنند که با شخص ولی فقیه و شورای نگهبان و همه ی نهاد های وابسته یا در واقع نظام مخالف هستند. حتا خود شما نیز با این حرکت مردم هم اهنگی کردید اما گویا متوجه نبودید که چه می کنید! مگر ممکن است کسانی یک نظام را پذیرفته باشند اما تا آنجا در مقابل آن ایستادگی کنند که اسلحه و نیروی نظامی به میدان بیاید؟ آیا چالش فعلی که در بین دو جناح حاکمیت از یک سو و مردم با حاکمیت از دیگر سو به راه افتاده، فقط برای یک تقلب انتخاباتی است که در ۳۰ سال گذشته معمول بوده است؟ شما می خواهید مخالفت مردم و هزینه های سنگین آن را در چارچوب مخالفت با احمدی و خامنه ای زندانی کنید؟ و از این رهگذر نظام را تبریته کرده و لابد با برکناری این افراد بار دیگر به خط امام و نظام اسلامی تداوم بخشید؟

جناب موسوی پس از آن بود که نه تنها رای مردم در اختیار رژیم باقی ماند، بلکه خون جوانان نیز بر زمین ریخت و بپذیرید که اگر چه مسئولیت اصلی این وقایع بر گردن حکومت است، اما شما نیز باید با فهم خواسته های مردم و توجه به بار سنگین خون های به ناحق ریخته شده، پاسخگوی رای دهندگان و کشته شوندگان باشید. شما نه تنها برای پس گیری رای مردم کار مهمی انجام ندادید و از آن فرصت تاریخی استفاده نکردید، بلکه به محض بازداشت و سرکوب و خون ریزی به لکنت زبان افتادید، ما همواره بر این اندیشه بوده ایم که در مبارزات خود تا آن جا که ممکن است بهانه به دست ادم کش های حرفه ای ندهیم، اما آقای مهندس شما با وعده های خود مردم را به پای صندوق رای کشیدید و با اظهارات خود آن ها را به خیابان کشیدید و اینک مردم ایران هم رای خود را باخته اند و هم این که هزاران شهید و مجروح و زندانی روی دستشان مانده است. اگر چه امید دارند با ادامه ی مبارزه به حقوق اساسی خود نایل آیند و خون جوانان آن ها به هدر نرود. برادر عزیز باید متوجه باشید که در شرایطی قرار دارید. تنها اقدام ستودنی شما این بوده است که از ادامه ی اعتراضات مردمی پشتیبانی کرده و نتیجه ی انتخابات را نپذیرفته اید. اما بپذیرید که نتوانستید به عهد خود وفا کنید و این مردم بودند که خود مبارزات را ادامه دادند. برادر من شما حتا برای مجلس ترحیم شهدا از وزارت کشور دولت به قول خودتان کودتایی در خواست مجوز کردید، در حالی که مادر ندا اعلام کرد که به بهشت زهرا می رود و مردم به صورت خودجوش به تظاهرات پرداختند، موج سبز شما در پای صندوق رای بود این موج که در خیابان است اگرچه نشانه ی سبز با خود دارد اما به شدت خونین است، پس اجازه دهید خود شعار ها و خواسته هایش را برگزیند، با آن به صورت دستوری به سبک خمینی برخورد نکنید.

آقای مهندس، شما در این اندیشه هستید که گویا مردم به فرمان شما هستند؟ مردم آن گاه که به پای صندوق رای آمدند در صدد بودند تا از موقعیت شما به نفع ایده های خود استفاده کنند و آن روز که به خیابان آمدند، نیز می دانستند که چه می کنند. مگر شما نبودید که با صدور اعلامیه از ایرانیان برون مرز خواستید تا از هم جدا بمانند. ولی آیا مردم به دستور شما عمل کردند؟ آیا گمان کرده اید امروز به امر شما کشته می شوند؟ مردم وجود شما را به عنوان عاملی مثبت برای بیان اعتراضات خود مغتتم می شمارند و خوشبختانه تا کنون اگر چه ضعیف اما درست حرکت کرده اید، همگان نیز حمایت کرده اند. اما لطف کنید برای مردم دستور العمل صادر نکنید.

شما به شعار های مردم پس از سرکوب و کشتار ۳۰ خرداد در درون و برون مرز توجه فرمایید، کدام یک از آن ها در چارچوب نظام بوده است؟... مرگ بر دیکتاتور-مجتبا بمیری- رهبری رو نبینی --برادر شهیدم راحت ادامه دارد-می کشم می کشم ان که برادرم کشت-رهبر ما...-نصر من اله و فتحا قریب-مرگ بر این دولت مردم فریب. و استقلال-آزادی-جمهوری ایرانی-..... جناب مهندس در همه ی این شعار ها مرگ و خشونت و انتقام جویی موج می زند. البته که مردم حق دارند که در حرف، عکس العمل نشان بدهند. شما نیز تا کنون حرفی نزدید. اما به محض این که یک شعار اثباتی که اتفاقا در آن مرگ بر کسی گفته نشده بود سر دادند به موضع گیری افتادید؟

آقای موسوی اشتباه نفرمایید. این جنبش تازه به راه نیفتاده است. این جنبش دنباله ی حرکت دموکراسی خواهانه ی ملت ایران است. به ویژه حرکت های چند سال اخیر. مردم برای برگرداندن رای یا اعتراض علیه تقلب حاضر نیستند جوانان خود را پر پر شده ببینند. آن

ها می خواهند از ظلم و ستم این حکومت دینی راحت شوند. شما تنها کسی نیستید که اخیرا به این مبارزه پیوسته اید. آخرین آن هم نخواهید بود. ما هم چنین هستیم. پس اجازه دهید تا مردم راه خود را بروند. مردم تنها خواسته ای که از شما دارند این است که جا نزنید. ممکن است حتما شما نیز بازداشت شوید. خواهش ما این است که اعتراف نکنید. این خواسته ی مردم از اصلاح طلبان است. اما انتظار ندارند که خون بدهند تا جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد، تثبیت شود. تداوم مبارزات حقانیت این حرف را به شما نشان خواهد داد. در راه مردم، پیروز باشید